

## بررسی تاثیر رابیندرانات تاگور (۱۹۴۱-۱۸۶۱) بر ملی گرایی ایرانی در دوره ی

### پهلوی اول

#### سارا اخلاق

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

#### چکیده

در این مقاله در واقع تاثیر افکار رابیندرانات تاگور شاعر و متفکر هندی را بر پدیده ی ملی گرایی در ایران در دوره پهلوی مورد بررسی قرار داده و ابعاد مختلف ملی گرایی من جمله شکل گیری، تاثیرگذاران بر آن مورد بررسی قرار گرفت. همزمان با ملی گرایی در ایران، در هندوستان و ترکیه نیز جرقه های آن روشن گردید. رابیندرانات با ملی گرایی مخالفتی نداشت و در واقع آموزش مردم را بهترین راهکار بدین منظور توصیه می کرد. وی با مدل ملی گرایی کشورهای غربی مخالفت داشت و آن را تقلید کورکورانه می دانست و ناپایدار می پنداشت. سفرهای تاگور و این همزمانی ملی گرایی در هندوستان و ایران و نیز ارادت شاعران ایرانی همچون ملک الشعرا بهار به رابیندرانات تاگور شاعر برجسته هندی از ابعاد مختلف تاثیرگذاری وی بر شکل گیری ملی گرایی در ایران است.

واژه های کلیدی: رابیندرانات تاگور، ملی گرایی، ملی گرایی ایرانی، دوره ی پهلوی.

## ۱- مقدمه

در این مختصر شناختی اجمالی داریم بر زندگی نامه رابیندرانات تاگور شاعر بزرگ هندی و تاثیر وی بر ملی‌گرایی ایرانی در دوره‌ی پهلوی اول که جرقه‌های آن در سال‌های ۱۲۸۵ تا اسفند ۱۲۹۹ زده شد. اینکه چگونگی این تاثیر تا چه میزان و نقش و جهت آن چطور بوده است تنها از طریق مطالعه زندگی این شاعر هندی و افکار و عقاید وی در مورد مباحث ملت، استقلال و ملی‌گرایی استنتاج می‌شود.

## ۲- ادبیات تحقیق

در این بخش به شناخت بیشتر رابیندرانات تاگور و مفاهیم ملی‌گرای و آثار برجسته‌ی او از دیدگاه او پرداخته و مفاهیم ملی‌گرایی ایرانی را بازگو خواهیم نمود.

## ۱-۲- معرفی و شناخت بیشتر رابیندرانات تاگور (۱۹۴۱-۱۸۶۱)

رابیندرانات تاگور، در سال ۱۸۶۱ میلادی در شهر کلکته متولد شد. او شاعر، فیلسوف، موسیقیدان و چهره‌پرداز اهل بنگال هند بود. نام‌آوری وی بیشتر به جهت شاعری اوست. پدر تاگور غزل‌های حافظ را از بر داشت و به اشعار فارسی علاقمند بود. او حتی خود را متعلق به سرزمین ایران می‌دانست. تاگور به دو زبان هندی و بنگالی شعر می‌سرود و اشعار خود را به انگلیسی نیز ترجمه می‌کرد. او در سال ۱۹۱۳ جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد. او علاوه بر شعر، داستان و نمایشنامه نیز می‌نوشت. تاگور در سراسر مشرق زمین محبوبیت داشت. او به ایران علاقه فراوان داشت و دو بار به ایران سفر کرد. ملک‌الشعراى بهار در ستایش تاگور قصیده‌ای بلند سروده است. تاگور از عرفان «اوپانیسادی» تاثیر گرفته و در نوشته‌های خود عبارات و پاره‌هایی از اوپانیساده‌ها را نیز نقل می‌کند. به تاگور لقب کوردیو به معنای پیشوا داده‌اند. وی از سردمداران دیرین و نیز از مدافعان سرسخت استقلال هندوستان به شمار می‌آید. اهمیت و شهرت تاگور تا حدی بود که حتی بریتانیایی‌های مستقر در هند نیز از او واهمه داشتند. شاید بتوان یکی از عوامل تاثیرگذار در پیروی گاندی را تاگور و اندیشه‌هایش دانست (تاگور، ۱۳۹۲، ۳). یکی از پراهمیت‌ترین سخنرانی‌های وی با عنوان «بحران تمدن» در جشن ۸۰ سالگی ایراد شد. دنباله تاثیر فکری این سخنرانی را در جهان می‌توان در تئوری جنگ تمدن‌ها و گفتگوی تمدن‌ها دید (تاگور، ۱۳۹۲، ۳).

## ۲-۲- کلیت مفهوم ملی‌گرایی در افکار رابیندرانات تاگور

با استناد بر اصل مساله‌ی تجربه تاریخی، هند کشوری است که به مدد روش‌های مبتنی بر دموکراسی، توانسته است مفهوم مقوله‌ی ملت را با وجود کثرت فرهنگ‌ها، نژاد و مذهب در نفس خود بستر سازی کند. بی‌تردید وقتی بحث مساله‌ی ملت و ملی‌گرایی در هند مطرح می‌شود، اولین فرد برجسته‌ای که در این حوزه به طور اثرگذار فعالیت کرده است "مهاتما گاندی" است. مهاتما در طرح دیدگاه‌هایش مفهوم ملت را مهمترین رویکرد مثبت برای جامعه هند تلقی می‌کند و آن را نیاز مبرم برای وحدت و همدلی آن جامعه می‌داند، به همین جهت هند هم در به اجرا گذاردن آن موفق عمل کرده است؛ اما از سوی دیگر، "رابیندرانات تاگور" این نظریه‌پرداز و اندیشمند چیره‌دست، با نظریه‌ای متمایز در این زمینه حاضر شده است. تاگور با آنکه در کلیت از سیاست ملی‌گرایی گاندی پشتیبانی می‌کند؛ اما از لحاظ آسیب‌شناسی طرح مقوله ملت را بدون داشتن درکی روشن و دانستن فرهنگ عقلانی آن به انتقاد می‌گیرد و آن را بیشتر پدیده‌ای ساختگی و استعماری و محصول غرب می‌داند (تاگور، ۱۳۹۲، ۱۰).

تاگور افراط در ملی‌گرایی را عاملی برای جدایی انسان‌ها می‌داند: "آرمان انسان در مقام یک موجود اجتماعی عاری از خودپسندی بودن است؛ در حالی که آرمان ملی‌گرایی روابط خصمانه است. او می‌گوید: "ملی‌گرایی میان انسان‌ها جدایی می‌افکند، خصومت می‌آفریند و احساسات برتری‌جویی را در میان اقوام رواج می‌دهد" (تاگور، ۱۳۹۲، ۱۶).

او با سیاسی بودن مقوله‌ی ملی‌گرایی در نقش سیاست مخالف نیست؛ اما با استفاده نامشروع آن به عنوان حربه‌ای برای اعمال سیاست‌های ناموجه و غیرعقلانی موافق نیست (تاگور، ۱۳۹۲، ۱۶).

### ۳-۲- آثار برجسته رابیندرانات تاگور: انعکاس افکار وی در باب مبارزه با استعمار و سرمایه‌داری

نوشته‌های ارزنده تاگور شامل آثار شاعرانه و آثار نمایشی اوست که سبک فکر و شیوه نگارش او را در میان سخنوران گیتی مشخص و ممتاز می‌کند. تاگور وقتی با آثار شاعران بزرگ انگلیسی مانند شلی و کیتس دلبستگی یافت، به اصول تعالیم کهن و مکتب‌های فلسفی هند روی آورد و در مطالعه آثار شاعران گذشته بنگالی کمر همت بر میان بست و از زندگی مردم عادی و دردها ورنجه‌های ایشان تاثیراتی ژرف پذیرفت و با گرسنگی و فقر و بیماری‌های خانه‌برانداز در سراسر هند آشنایی پیدا کرد، به سرودن شعر به زبان بنگالی پرداخت و نخستین دیوان خود را به نام "تجسم اندیشه‌ها" در سال ۱۸۹۰ انتشار داد. از ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۵ به نشر روزنامه ادبی بنگالی «ساده‌انا» اشتغال ورزید و در همین دوره یک سلسله آثار نمایشی به زبان بنگالی و انگلیسی نوشت و انتشار داد. از آن جمله: چیترانگادا، و افزون بر اینها دو دیوان به نام چیترا و زورق طلایی که اوراق زرین ادبیات جهان را شکل داده‌اند، بر قلم راند (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۱۲)

رمان «گورا» ۱۹۱۰ از بهترین رمان‌های اوست که با شیوه‌ای هنرمندانه و با قدرتی شگفت‌انگیز کشمکش‌های داخلی اعضای خانواده‌های سرمایه‌دار کلکته را وصف می‌کند. موضوع رمان پرارزش دیگر تاگور به نام «وطن و جهان» که در سال ۱۹۲۶ انتشار یافت، تحریم کالاها انگلیسی بود و آن نوشته‌ای است دل‌انگیز با روح متعالی و برخوردار از انتقادات سخت اجتماعی و سیاسی (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۱۲).

تاگور مانند شیخ سعدی شیرازی سرایش شعر غنایی را تا هنگام مرگ ادامه داد و به نشر حدود یکصد اثر در تلاش ایستاد. در سال ۱۹۱۳ به دریافت جایزه ادبی نوبل نایل آمد و به عنوان نخستین هنرمند آسیا این جایزه را به خود اختصاص داد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۱۲).

در سرزمین باستانی هند، مردانی با اندیشه‌های بزرگ پا به عرصه هستی نهاده‌اند که از میان رابیندرانات تاگور شخصیت استثنایی تاریخ معاصر است که به قول ویل وراست در تاریخ تمدن شخصیتی بی‌نظیر در عصر کنونی است. تاگور پس از هشتاد سال و سه ماه زندگی در نیمروز هفتم ماه اوت ۱۹۴۱ در همان زادگاه خود در خانه دیرین نیاکان جوراسانکو آفتاب عمرش غروب کرد، اما این غروب خود شروقی تازه بود.

### ۴-۲- اولین مسافرت تاگور به ایران

دولت ایران از رابیندرانات تاگور در سال ۱۳۱۱ شمسی، دعوت کرد تا به ایران مسافرت نماید. تاگور با قبول این دعوت، روز بیست و پنجم فروردین‌ماه آن سال از راه بوشهر وارد ایران شد و تا هنگام مراجعت به هندوستان که قریب چهار روز طول کشید، مهمان دولت ایران بود.

این نابغه بزرگ شرق در هنگام اقامت در تهران از دولت ایران خواست که استادی را برای تدریس زبان پارسی به هند گسیل دارد و دولت ایران نیز استاد ابراهیم پورداود را از دانشگاه تهران در دسامبر ۱۹۳۲ به آن کشور فرستاد تا به تدریس در دانشگاه شانتی نیکتان بپردازد (پورداود، ۱۳۸۹، ۶).

تاگور در ایران مورد استقبال گرم دولت و ملت ایران قرار گرفت و بسیاری از رجال علم و ادب در تحلیل افکار بلند او به نظم و نثر سخن‌ها آراستند. استاد ملک الشعرا بهار بزرگترین چاه‌سرای دوره مشروطه و معاصر ایران یک مثنوی در بحر سریع مسدس (مفتعلن مفتعلن فاعلن) در ستایش او نظم کشیده است و آن را «هدیه تاگور» نام نهاد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۲۰).

از آن پس آثاری از تاگور به زبان فارسی ترجمه گردید که از آنجمله است: آیین‌نامه زردتشت، باغبان عشق، ترانه‌های مادر و رویاهای کودک، مالینی، شاه و ملکه، کشتی شکسته، مرد جهانی، هلال ماه نو، نیلوفر عشق و نغمه‌های تاگور (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۳۴).

بنابر نوشته‌ی وی، تاگور در مدت اقامت خود در ایران، از آثار تاریخی شهرهای اصفهان و شیراز بازدید کرد و چند سخنرانی در وزارت فرهنگ و انجمن ادبی ایران و کالج البرز ایراد نمود که بسیار مورد توجه و تحسین حضار واقع گردید. سپس به مناسبت هفتاد و دومین سال تولد وی، از طرف هیأت دولت و انجمن ادبی ایران به نحو شایسته‌ای از شخصیت جهانی و مقام علمی وی تجلیل شد. تاگور در سی‌ام اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۱ خاک ایران را به قصد هندوستان ترک کرد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۶۳).

## ۲-۵- افکار فلسفی - عرفانی رابیندرانات تاگور

تاگور یک متافیزیسین، به معنای واقعی کلمه نیست ولی اغلب به برخی موضوعات منتخب در زمینه متافیزیک، و بیش از همه به مباحث الهی می‌اندیشد. بدین‌گونه درک ژرف عرفانی از حیات، واز آنچه خود حقیقت می‌خواند پیدا می‌کند و عارفانه در پی آن است که این حقیقت را در زندگی متجلی می‌سازد. با این وصف باید توجه داشت که تاگور به واقع شخصیتی چندجانبه دارد (مجتبایی، ۱۳۸۸، ۴۲).

همچنین تاگور هم شاعر است هم داستان‌نویس، هم صاحب آرا و نظریات مهم در مسائل هنری، اجتماعی، فرهنگی و... تاگور در جامعه‌شناسی هوادار نوعی نظریات جهان وطنی است که البته جهان وطنی او را از نوع مارکسیستی نبود بلکه مخالفت او از مشاهده تعصبات و خشکاندیشی‌های طبقه سنت‌پرست و پوسیده مغز هند که از هر چیز جدید و نامأنوس حراس و نفرت داشتند، تاگور را بر آن داشت تا در مدرسه‌ی شانتی نیکتان که تاسیس کرده بود شاگردان و معلمان از مذاهب مختلف را بیاورد تا مبدا اصول دینی و اخلاقی ادیان را آزادانه تدریس کنند زیرا اساس جهان وطنی او وحدت انسانی و مشارکت در فکر و فرهنگ همه ملل جهان بود (مجتبایی، ۱۳۸۸، ۴۲).

در آثار تاگور وجوه مشترک فراوانی از تصوف و فلسفه‌ی نحل‌های مختلف هندی و عرفان اشرافی ایران دیده می‌شود، چرا که دوپیندرانات تاگور که رابیندرانات تاگور کودکی و جوانی‌اش را در محفل او گذرانده بود مردی پارسا و حکیم بود. او زبان دری می‌دانسته و اکثر عقاید خود را از روی اشعار حافظ شرح می‌کرده است (پورداد، ۱۳۹۰، ۱۱).

بنابراین رابیندرانات تاگور از پندار و عقاید عارفان مسلمان آگاه بوده و به آن اخلاص داشت و خانه‌اش کانون هند و فلسفه و عرفان بود. از آنجا که تاگور کودکی و نوجوانی‌اش را در محفل فضیلت گذرانده بود، با آداب و ملل و نحل و نصوص ادیان اعم از بودایی، هندوی، زرتشتی، مسیحی و اسلام آشنا گردید و با آن پیوندی بنیادی یافت. وی فرهنگ شرقیان را آموخت، از تعصب‌های یافت و بدین‌گونه به معنویت ادیان گوناگون متخلق شد، بویژه روح عرفانی اسلامی که میراث درویشان بائول بود در شکل دادن بخش شخصیت عرفانی تاگور تأثیری بسزا گذاشت و شیفته‌ی عرفان و عارفان ایرانی شد. وی در دو سفرش به ایران از شیراز دیدن کرد و بر سر تربت حافظ فال گرفت و ساعتها در آنجا به راز و نیاز پرداخت و چنانچه گفتیم این تأثیر از مربی اصلی تاگور، پدر او است که از شدت شیفتگی، حافظ حافظ بود یعنی تمام دیوان حافظ را از حفظ داشته و هر بامداد که از خواب بر می‌خاست غزلی از حافظ سماع می‌کرد و به شعر فارسی کاملاً دلبسته بود، مولوی را هم خوب می‌شناخت و از همین جهت همشهریان‌ش او را «مهاریشی» یعنی استاد یا مرشد بزرگ لقب داده بودند و دوستی او با مسلمانان به جایی رسیده بود که مردم آن نواحی به طعن و کنایه خانواده او را «برهمنان پیر علی» می‌خواندند (مجتبایی، ۱۳۸۸، ۴۴).

بدین صورت بود که تاگور تحت تأثیر چنین پدری وقتی به ایران آمد در دو خطبه‌اش چندین بار گفت: من ایرانی هستم و نیاکانم از این سرزمین به هندوستان مهاجرت کردند و مسروم که به وطن اجداد خود آمده‌ام و علت این همه محبت به من در ایران، همین وحدت نژادی و فرهنگی است (مجتبایی، ۱۳۸۸، ۵۶).

تاگور فقط اهل فکر و رویاپردازی نبود وی اندیشه‌های تربیتی‌اش را به عمل درآورد و با راهاندازی سه موسسه آموزشی «شانتی نیکتان، یسوابهارتی و شری نیکتان» افکارش را در سه جهت متفاوت دنبال کرد با این «مثلث آموزشی» نوعی شبکه آموزش و پرورش مطلوب در هند به وجود آورد. یکی از تفاوت‌های آشکار تاگور با بسیاری از اندیشه‌پردازان تربیتی آن است که او با نگاهی چندجانبه و نوآورانه تربیت را مطابق نیاز روزمره مردم و به ویژه اقشار محروم و روستایی تفسیر نمود و همراه با آنان

جریان و نتایج تصمیمات و عملکرد را از نزدیک تجربه و زندگی کرد و صرفاً در انتظار نظریه‌پردازی‌ها و نتایج تحقیقات و نسخه پیچی‌های تربیتی ننشست، که گاه آنها را با حوائج عینی زندگی نیز ناهمخوان می‌دید (نعمانی، ۱۳۹۹، ۲۷۰).

## ۶-۲- شکل‌گیری ملی‌گرایی ایرانی

ملی‌گرایی در بسیاری از مناطق، از جمله در کشورهای جهان سوم اهرمی برای استقلال‌طلبی و رهایی از استعمار بوده است. تاکید ناسیونالیسم بر مقولاتی مانند استقلال، برابری، آزادی‌خواهی و اولویت و اهمیتی که این ایدئولوژی به مردم و نقش توده داده بود، موجب بدست آوردن موفقیت‌هایی در قرن نوزدهم و بیستم شد (اشرف نظری، ۱۳۹۴، ۱۰). ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم به مثابه مجموعه نمادها و عقایدی تعریف گردیده که احساس تعلق به اجتماع سیاسی واحدی را به وجود می‌آورد و وفاداری اکثریت مردم را متوجه یک دولت - ملت می‌کند (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۴۰)، و اما در ایران تحولات و اصلاحات رضا شاه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی ایران آن عهد، بیش از هر چیز تحت تاثیر گفتمان ملی‌گرایی و باستان‌گرایی قرار داشته است (علی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۰). در واقع دوره سلطنت رضا شاه به دلیل تلاش حکومت برای تاسیس دولت مدرن و گسترش غرب‌گرایی و تلاش شخص رضا شاه و روشنفکران همراه برای کسب مشروعیت سیاسی از طریق پیوند دادن سلطنت پهلوی با پادشاهی‌های باستانی ایران، یک مقطع دوران‌ساز و موثر در شکل‌گیری بنیان‌های فکری ایران نوین به شمار می‌رود. در این میان ناسیونالیسم که به عنوان یکی از ایدئولوژی‌های اصلی و ماهوی جریان تجددخواهی پیروزی انقلاب مشروطیت در فضای سیاسی و فرهنگی ایران تثبیت شده بود، از یک نقش محوری در تحولات فکری عصر پهلوی اول برخوردار شد (علی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۹)؛ در واقع پهلوی اول سرسختانه اصرار داشت ناسیونالیسم مبارز را به عنوان اصل انسجام اجتماعی جایگزین اسلام سازد. در آن برهه زمانی، ملی‌گرایی نه تنها در ایران، بلکه در هند (حزب لنگره) ترکیه (ترک‌های جوان) و مصر (حزب وفد) نیز از همه مسلک‌های سیاسی رقیب خود پیش افتاده بود (علی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۷).

عمده اصطلاحات و عملکرد رضاشاه در نوسازی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران، با پشتوانه و مشروعیت ملی‌گرایانه، در دوران بعد از بر تخت نشستن وی آغاز شدند، زیرا به طور طبیعی دست به اصطلاحات همه جانبه، مستلزم در اختیار داشتن قدرت برتر بود و لذا پهلوی اول پس از کسب قدرت تدریجی و رسیدن به مقام سلطنت، در ادامه و به قصد تکمیل تغییرات سیاسی و اقتصادی ایجاد شده در ایران به اصطلاحاتی در حوزه‌های آموزشی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی و دینی دست زد تا ضمن برچیدن نظام‌های سنتی نادرست به زعم او و همفکرانش، جامعه ایران را به صورت یک ملت مدرن و یکدست درآورد (علی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۳).

ناگفته نماند که هویت تاریخی و فرهنگی ایرانی بر اساس شواهد بسیار از دوران ساسانی تدوین و به دفعات گوناگون تا سده نوزدهم مورد بازسازی قرار گرفته و این هویت در دو سده اخیر تحت تاثیر اندیشه ناسیونالیسم به صورت نوین بازسازی شده و به «هویت ملی ایرانی» تحول یافته است (اشرف نظری، ۱۳۹۴، ۱۲).

ناسیونالیسم ایده‌ای جدید است که از انقلاب آمریکا و فرانسه در قرن هجدهم الهام گرفته شده است (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۱۳). از مهم‌ترین کارکردهای ناسیونالیسم القای یک هویت جمعی به نام هویت ملی است که افراد یک جامعه را به سهیم بودن در یک هویت ویژه فرا می‌خواند که بر سایر هویت‌ها اعم از هویت‌های طبقاتی، خانوادگی و منطقه‌ای مقدم است این هویت مبنای عمده همبستگی در عصر مدرن به شمار می‌رود. از دیگر کارکردهای ناسیونالیسم مشروعیت‌بخشی برای دولت‌های مدرن است. زیرا مشروعیت برآمده از ناسیونالیسم بر خلاف مشروعیت‌های دینی، قائل به این معنی است که بشریت به ملت‌های متعددی تقسیم شده و تنها نوع مشروع حکومت، حکومت ملت بر خویش است.

با چنین پایه‌ها و مایه‌هایی تاریخ‌نگاری ایرانی وارد دوران پهلوی شد؛ دولت پهلوی به عنوان یک دولت مدرن تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی را در خدمت اهداف و سیاست‌های خود گرفت دولت پهلوی که خود را یک دولت ملی عنوان می‌کرد، به دلایل مختلف خواهان آن بود که آگاهی ملی و احساس تعلق به ملت بر اساس روایت خاص خود را در بین همه اقشار گسترش دهد، در این زمان یک این‌همانی میان خواست دولتی و نظام تولید دانش به ویژه در زمینه تاریخ‌نگاری شکل گرفت. در این دوران دو

طیف از مورخان در عرصه تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی فعالیت داشتند. گروه اول که می‌توان آنها را تاریخ‌نگاران قلم به مزد یادبود عنوان کرد که چندان بهره و مایه‌ای از تاریخ‌نگاری نداشتند، اما در راستای اهداف دولت به نوشتن تاریخ می‌پرداختند، گروه دوم که به لحاظ اعتبار علمی از موقعیت برجسته‌ای برخوردار بودند و افراد آکادمیک محسوب می‌شدند، با این حال در بسیاری موارد هر دو گروه گرایش‌های مشابهی در نگارش تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی داشتند. کسانی چون احمدکسروی، حسن پیرنیا، پوردوود جز چنین کسانی بودند. پژوهش‌های کسروی سرشار از ملی‌گرایی است. (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۲۶).

### ۳- نظریات در باب شکل‌گیری ملی‌گرایی در ایران

سه رویکرد در مورد ملت و ملی‌گرایی وجود دارد. این سه دیدگاه غالب بوده و عمده‌ترین نظریات در مورد ملت و ملی‌گرایی از این سه نظریه نشأت گرفته‌اند. احمد اشرف از جمله کسانی است که در یک تقسیم‌بندی مناسب، دیدگاه‌های مربوط به ملت و ملی‌گرایی در ایران را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

- روایت نخست که آن را «ناسیونالیسم رومانتیک» یا کهن‌گرا می‌داند ملت و ملی‌گرایی در ایران را پدیدار طبیعی تاریخ بشر می‌انگارد که منشا آن به دوران پیش از تاریخ می‌رسد. این دیدگاه مقوله‌ی ناسیونالیسم افراطی است.
  - روایت دوم که روایت «مدرن و پست مدرن» قرار دارد که از نیمه قرن بیستم تدوین شد و رواج گرفت. این دیدگاه ملت و ملی‌گرایی را پدیده‌ای نوین می‌داند که ساخته و پرداخته‌ی دولت‌های ملی در عصر جدید است.
  - روایت سوم یا دیدگاه «تاریخی‌نگر» در رابطه با این مساله که هویت ملی و ناسیونالیسم در ایران زاده‌ی دنیای جدید است با دیدگاه مدرن و پست مدرن هم‌آواز است، اما گسست بنیادین هویت ملی همه‌ی ملل، به ویژه ایران را با هویت گذشته آنان به استناد شواهد تاریخی نمی‌پذیرد و ملت را در ایران کهن و قدیمی قلمداد می‌کند (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۱۴).
- به طور کلی در عصر مدرن پدیده دولت - ملت یک چارچوب ضروری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است ملی‌گرایی همگام با پیدایش دولت ملی پا به عرصه حیات گذاشت. چند تحول عمده در اروپا در زمینه‌سازی برای ناسیونالیسم ایفای نقش کردند. اول گسترش شهرها و رشد طبقه بورژوا که با تضعیف فئودالیسم، به استقرار پادشاهان در مناطق مختلف اروپا یاری رساند (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۱۸).
- دوم نهضت اصلاح دینی، منجر به سر برآوردن کلیساهای ملی به همراه سرزمین و حاکمیتی مشخص شد سوم اینکه با تحکیم اقتدار دولت مطلقه بورژوازی به منظور رهایی از قید و بندهای آن این اندیشه را گسترش داد که حاکمیت نه از آن فرد، که متعلق به ملت است (اشرف‌نظری، ۱۳۹۴، ۱۸).

### ۴- ملی‌گرایی در اندیشه و آثار رایبندرانان تاگور

وقتی به تاگور می‌نگریم، خردمندی و فروتنی سقراط و بسیاری دیگر چون او را، به یاد می‌آوریم شاعری فیلسوف و عاقلی عارف که رشد و انتقال دانش‌ورزی را رسالت خویش می‌شناسد (نعمانی، ۱۳۹۹، ۲۴۳)، و نکته‌ی قابل توجه اینکه در ادبیات فارسی معاصر ایران نیز برخی از سخنوران به سبب مطالعه در آثار تاگور و تصوف و فلسفه نحله‌های مختلف هندی و تصوف اسلامی و اشراقی ایران راهی نو یافتند و بدین جهت وجوه اشتراکی با تاگور پیدا کردند (براون و همکاران، ۱۳۷۳، ۶۳۲).

تاگور در باب تقلید از غرب و بسوی مدرنیته شدن معتقد است که کشورهای جهان سوم باید قوت ایمان و وضوح ذهن خود را حفظ کنند تا بدین وسیله به این اطمینان دست پیدا کنند که سازه‌های چوبی حاصل از توسعه‌ی امروزی که با میخ‌های آهنی کارآمدی و بازده پرس، شده است و با کمک چرخ‌های جاه‌طلبی حرکت می‌کنند چندان دوام نمی‌آورند و وقوع یک تصادف حتمی است و از آنجاییکه این سازه بر روی ریل‌های سازمان‌یافته و از پیش تعیین شده در حرکت است، انتخاب آزادانه‌ی مسیر برایش دشواری است و به محض اینکه از ریل خارج شود این چرخ‌ها پی‌درپی از جایش در می‌رود (تاگور، ۱۳۹۲، ۱۵۴). در واقع در اندیشه تاگور نظرات مختلفی در مورد «ضد ملی‌گرایی»، «اینترناسیونالیسم»، «ناسیونالیسم دوسوگرا» و مواردی از این دست، شاید با تمرکز بر اهمیت کلمه «ملت» برای تاگور متعاقباً، ابعاد متفاوتی پیدا کند. ایدئولوژی منحصر به فرد

ناسیونالیستی که او با آن موافق بود، دقیقاً از طریق مشاهده دقیق تر درک تاگور از تاریخ جامعه و تمدن هند به طور کلی و همچنین رویکرد کل نگر او به بشریت است که می‌توان مفاهیم او از ملت و ناسیونالیسم را ردیابی کرد (چاکرابورتی، ۲۰۱۹، ۱۰۰۳).

تاگور معتقد است ایده‌ی مقوله‌ی ملت یکی از قدرتمندترین داروهای بی‌حسی ابداع شر است. طوریکه تحت تاثیر بخار آن تمام مردم قادرند تا برنامه‌ی سیستماتیک آن را، بدون کمترین هزینه میزان آگاهی نسبت به انحراف اخلاقی حاصله از آن انجام دهد (تاگور، ۱۳۹۲، ۲۸۵). وی به ملت‌های جهان سوم و جوان تشویق می‌کند که همچنان بر مبنای آرمان‌های عالی انسانیت بایستند و هرگز از غرب در پذیرش خودخواهی سازمان‌یافته‌ی پدیده‌ی ملت و ملت‌گرایی به عنوان کیش و مذهب خود، پیروی نکنند (همان، ۲۷۱)، بدین سان تاگور کسی بود که می‌توانست ایده‌های شرق و غرب را در یک ایده عالی با هم ترکیب کند (داسگوپتا، ۲۰۱۰، ۴۴).

یکی از دغدغه‌های تاگور فلاکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود که دهقانان کشورش در آن زندگی می‌کردند. او فکر می‌کرد که این شرایط را نمی‌توان با توسل به احساسات مذهبی تغییر داد و در جامعه بشری، ضرورت، نیروی قدرتمند است و آن آموزش است (نارمدشوار جا، ۱۹۹۹، ۲). تاگور بر اساس این تفکر مجموعه گالپاگوجا (مجموعه‌ای از داستان) را نوشت. او در واقع به تجربه‌ای مستقیم و صمیمی از زندگی فلاکت بار دهقانان فقیر بنگالی دست یافته بود. او بعد از آن او بارها و بارها در زمینه‌های مختلف به موضوع خوداتکایی محلی، ابتکارات محلی، رهبری محلی و خودگردانی محلی با محوریت شیوه‌های زندگی مشارکتی روی آورد، که معتقد بود این می‌تواند مبنایی برای سازماندهی مجدد جامعه روستایی پراکنده هند باشد و می‌تواند به عنوان ابزار رفاه عمل کند، تاگور متوجه شد که آموزش و پرورش و شوراهای روستا تنها ابزارهای موجود برای تغییر اقتصادی و اجتماعی هستند و روستاییان باید برای انجام این تغییر از اشکال مختلف کمک‌های کارشناسی از خارج برخوردار شوند. او معتقد بود «فقر از نفاق و ثروت از همکاری سرچشمه می‌گیرد. از همه نظر این حقیقت اساس تمدن بشری است؛ بنابراین او شروع به معطوف کردن افکار خود به مشکلات آموزش کرد (نارمدشوار جا، ۱۹۹۹، ۴). سهم رابیندرانات تاگور در زمینه آموزش و همچنین در زمینه‌های دیگر، بسیار مهم بوده است. در کهکشان متفکران آموزشی مدرن، نام رابیندرانات تاگور، نه تنها در کشور هند بلکه به دلیل مشارکت در زمینه آموزش، در سراسر جهان مشهور است. یکی از بارزترین ویژگی‌های تفکر آموزشی او این است که آموزش را مؤثرترین ابزار برای مدرن کردن هند می‌دانست (کومار ماندال، ۲۰۱۹، ۷).

تاگور معتقد بود ملی‌گرایی نه تنها در هندوستان بلکه در میان تمام ملل یک مشکل سیاسی نیست، بلکه یک مشکل اجتماعی است. به عقیده او در غرب سیاست بر آرمانهای غربی مسلط شده است و ما در اینجا سعی در تقلید از آنها برای جوامع خود هستیم. او معتقد بود در اروپا مردم از همان ابتدا شاهد وجود اتحاد نژادی بوده‌اند، چراکه منابع طبیعی برای ساکنانش ناکافی بوده است و طبیعتاً تمدن خصوصیات تجاوزکارانه‌ی تجاری و سیاسی را به خود گرفته است. بنابراین حفظ اتحاد و همکاری عالی میان رفتار و نگرش خصوصاً آمیزشان نسبت به دیگران، به عنوان راه‌حل مشکلاتشان به کار گرفته شده است (تاگور، ۱۳۹۲، ۲۹۹)، و این موجب ایجاد مفهوم ملیت و ملی‌گرایی در آن شرایط گردیده است. این در حالی است که از این تقابل عمده ملت و جامعه، از همان ابتدا بحث تاگور مبنی بر دفاع یا حفظ خصلت طبیعی و غیرسیاسی جامعه بشری به نفع یک قدرت سازمانی بود (چاکرابورتی، ۲۰۱۹، ۱۰۰۳).

##### ۵- تاثیرگذاران در شکل‌گیری و توسعه ملی‌گرایی

حقیقت آنست که در اواسط قرن نوزدهم، روشنفکران برجسته پارسی مانند میرزا آقاخان کرمانی و آخوندزاده پس از تماس با اندیشه‌های لیبرال و مشروطه اندیشان غربی و پس از بازنگری در تاریخ و فلسفه فارسی، توانستند اندیشه سیاسی جدید مبتنی بر سکولاریسم، ملی‌گرایی و مشروطیت را توسعه دهند. عقاید آنها بر اساس ایدئولوژیک نهضت مشروطه ۱۹۰۶ ایران و اولین

<sup>1</sup>Galpaguccha



تلاشهای سکولاریزاسیون جامعه ایران تأثیرگذار بود و نسل دوم روشنفکران سکولار ایران مانند صادق هدایت و احمد کسروی نیز به این نمادها اشاره کردند (عبدالحمیدی، ۲۰۱۵، ۶)، و زمانی که رضاشاه در اکتبر ۱۹۲۵ بر تخت نشست، ایده احیای شکوه «ایران پیش از اسلام» که در اندیشه روشنفکران عصر «مشروطه» (۹-۱۹۰۵) شکوفا شده بود، دوباره زنده شد (ملکزاده، ۲۰۱۹، ۶۳). همچنین در جریان نوسازی ایران، علاقه زیادی به ادبیات مدرن در خارج از ایران پیدا شد. از آنجایی که رابیندرانات تاگور شهرت جهانی پیدا کرده بود، گرایش روشنفکران در ایران نیز به سمت نوشته‌های او اجتناب‌ناپذیر بود و هند را به عنوان کشور دیگری با تمدن کهن مورد توجه قرار داده بود، دولت رضاشاه را مصمم کرد که روابط سیاسی و فرهنگی خود را با مردم هند گسترش دهد (ملکزاده، ۲۰۱۹، ۶۳).

تحت تأثیر این احساس، رابیندرانات تاگور شاعر، نویسنده و متفکر بنگال به ایران دعوت شد. در آن سال‌ها بسیاری از علمای هندی فارسی می‌دانستند و برخی به آن صحبت می‌کردند. دبندرانات تاگور، پدر رابیندرانات، فارسی می‌دانست و غزلیات حافظ را برای پسر نوجوانش می‌خواند. اما خود رابیندرانات فارسی نمی‌دانست و از طریق ترجمه با شاعران فارسی زبان به ویژه حافظ آشنا شده بود. علاوه بر این، از نظر سیاسی، نخبگان هند که ناراضی بودند با تسلط انگلیس بر کشورشان در آن روزها نظر خوبی به رضاشاه و اصلاحات اجتماعی او با هدف مدرن کردن کشورش داشتند (ملکزاده، ۲۰۱۹، ۶۳). تاگور از حامیان سرسخت نهضت آزادی هند بود و این برای رضاشاه نیز مناسب بود که در سیاست خارجی خود به تدریج تمایل داشت از انگلستان دور شود و به آلمان نزدیک شود. روشنفکران لیبرال مانند محمدعلی فروغی، علی اصغر حکمت، سیدحسن تقی زاده، علی اکبر داور و سایر علما نیز به دولت رضاشاه توصیه کردند رابیندرانات را دعوت کند. مقامات ایرانی نیز با این دعوت، بی‌توجهی خود را به احساسات بریتانیا نشان دادند و تاگور دعوت به ایران را پذیرفت (ملکزاده، ۲۰۱۹، ۶۴).

#### ۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد علی‌رغم منابع اندکی که در باب تأثیرات رابیندرانات تاگور بر ملی‌گرایی ایرانی موجود بود، بتوان در این زمینه جستجوی درست و منسجمی انجام داد تا راهی باشد برای محققان در آینده که بتوانند در این زمینه به تحقیقی گسترده نایل آیند. اینکه شخصی از ملت و سرزمینی دیگر بتواند بر معادلات کشوری دیگر تأثیر بگذارد شاید به جرات بتوان گفت که از محالات است. اما رابیندرانات تاگور شاعر و متفکر برجسته جامعه بزرگ هند توانسته است آن تأثیر سرنوشت‌ساز را به وسیله آثار و تفکرات آزادی‌خواهی که داشته است، بگذارد. رابیندرانات تاگور شاعر برجسته هندی با دو سفری که به ایران داشته است و محافل شعری که با شاعران و روشنفکران فوق‌الذکر داشته است و از آنجایی که افکار ملی‌گرایی متفاوت از آنچه که در غرب بوده است داشته، توانسته است آن تأثیر عمیقی که خواننده به دنبال آن است را داشته باشد. شاعران و متفکران ایرانی نیز وی را می‌ستایند و در وصف افکار و نظرات وی و بزرگی شخصیت وی تصنیفاتی چند سروده‌اند.



## منابع

- اشرف نظری، علی؛ خلیل طهماسبی، نوذر (۲۰۱۵)؛ ملت و ملی گرایی در نگاه انتقادی آنتونی دی اسمیت (رویکرد جامعه شناختی تاریخی): مطالعه ی موردی ایران؛ فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴. صص ۴۰-۹
- اشرف نظری، علی (۱۳۸۶)؛ ناسیونالیسم و هویت ایرانی مطالعه موردی دوره ی پهلوی اول؛ سال نهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶
- پورداد، ابراهیم (۱۳۸۹)؛ رابیندرانات تاگور؛ مجله دانشکده ادبیات، شماره دوم
- تاگور، رابیندرانات (۱۳۹۲)؛ بنفشه جعفر؛ ملی گرایی؛ تهران، روزگار نو
- علی زاده، محمدعلی؛ طرفداری، علی محمد (۱۳۸۹)؛ تاثیر گفتمان ملی گرایی بر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوره پهلوی اول؛ پژوهش نامه تاریخ؛ سال پنجم، شماره نوزدهم
- نعمانی، محمد؛ خنجرخانی، مسعود؛ داورپناه، ابوسعید (۱۳۹۹)؛ تربیت انسان از دیدگاه رابیندرانات تاگور؛ دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوازدهم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۶۲ - ۲۴۳
- Abdolmohammadi, Pejman (2015): The revival of nationalism and secularism in modern iran: LSE Middel East Center Paper Seriesc 11: November 2015
- Chakraborti. Poulami (2019): The Nation of a Nation: Tagore's Idea of Nationalism, Spirituality and Indian Society: International Journal of English. Vol 4, Issue 4, Jul- Aug 2019; ISSN: 2456-7620
- Dasgupta, Tapati (2010): Similarities of thoughts of Rabindranath Tagore with some English Classical Poets: International Journal of Social Sciences
- Malekzadeh, Elham (2019): Iran and Rabindranath Tagore: Information from files of the national archives of Iran: Studies in People's History. 6. 1: 63-69
- Narmadeshwar Jha (1999): Rabindranath Tagore (1861-1941): Paris, UNESCO: vol: XXIV. 19-603
- Kumar Mondal, Prosanta, (2019): Educational thoughts of Rabindranath Tagore's and its relevance in present education: Research Scholar, Department of Education, University of Kalyani, vol: 6: issue3